

مطالعات تفسیری آلاء الرحمن

فصلنامه علمی-تخصصی

مطالعات تفسیری آلاء الرحمن

گروه علمی-تربیتی تفسیر و علوم قرآن جامعة الزهراء (ع)

دوره چهارم * شماره سیزدهم * پاییز ۱۴۰۴



ظرائف معنایی «قِبْلَة» در ترجمه‌ها و روایات تفسیری:

با تکیه بر آیه ۸۷ سوره یونس

فاطمه گلدار^۱

چکیده

آیه ۸۷ سوره یونس با تعبیر «وَأَجْعَلُوا بُيُوتَكُمْ قِبْلَةً»، به احداث و سازمان‌دهی خانه‌های بنی اسرائیل در مصر اشاره دارد؛ با این حال، تشتت آرای مفسران و مترجمان درباره معنای دقیق واژه «قبلة»، دلالت‌های معماری و فضایی این آیه را با ابهام مواجه ساخته است. واکاوی دقیق این ظرائف معنایی، برای درک چگونگی شکل‌گیری هویت جمعی و الگوی زیست‌فضایی یک اقلیت موحد در دل حاکمیتی مشرکانه، ضرورتی بنیادین دارد. پرسش اصلی این است که ترجمه‌های فارسی و روایات تفسیری، واژه «قبلة» را در این آیه چگونه فهم کرده‌اند و کدام دلالت معنایی با سیاق آیه سازگارتر است؟ پژوهش حاضر با هدف رفع این اختلافات تفسیری و دستیابی به فهمی جامع از مفاهیم معماری و شهرسازی نهفته در این آیه سامان یافته است. این تحقیق متن محور، با روش توصیفی - تحلیلی و رویکرد تطبیقی انجام شده و ضمن بررسی داده‌های واژه‌شناختی، چهل ترجمه فارسی (کهن و معاصر) و روایات تفسیری را استخراج و طبقه‌بندی کرده است. یافته‌ها نشان می‌دهد معنای «قبلة» در این آیه، فراتر از جهت‌گیری صرف عبادی، دربردارنده یک راهبرد کالبدی برای حفظ انسجام اجتماعی مؤمنان است. این راهبرد شامل: ساخت محله‌ای متمرکز، تجلی مفهوم «خانه‌مسجد» با محوریت خانه حضرت موسی (ع) و چیدمان متقابل و رودرروی خانه‌هاست که به یک انتظام خطی در معماری و تقویت پیوندهای درون‌گروهی منجر می‌شود.

واژگان کلیدی

حضرت موسی (ع)، معماری، قبلة، خانه مسجد، مصر، محله بنی اسرائیل.

 Fa.Goldar@Gmail.com	۱. دانش پژوه سطح ۲، جامعة الزهراء (ع)؛ فارغ التحصیل دکتری تخصصی، رشته معماری، دانشگاه شهید بهشتی.
 0009-0003-5260-3233	
تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۸/۱۰	تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۰۴/۰۱
استاددهی: گلدار، فاطمه (۱۴۰۴). «ظرائف معنایی «قِبْلَة» در ترجمه‌ها و روایات تفسیری: با تکیه بر آیه ۸۷ سوره یونس»، مطالعات تفسیری آلاء الرحمن، دوره ۴، ش ۱۳، صفحات ۷۳-۱۰۲.	

۱. مقدمه

قرآن کتابی زنده و زندگی بخش است. کتابی که از گزند تحریف حفظ شده و روایتگر مهم ترین برگ های تاریخ انسان بر محور تاریخ انبیاء است. بسیاری از وقایع تاریخی که شاید هرگز در جایی ثبت و ضبط نشده در آیاتی از قرآن کریم ذکر شده است. دقت و ظرفیت کم نظیر وحی الهی در قالب زبان عربی نیز سبب شده یافته ها نسبت به آنچه عموماً در متن های انسان نوشت یافت می شود، پر شمارتر باشد. در تحقیقات قرآن محور، تأمل در متن آیه، تک تک واژه های آن، هم نشینی آیات، و آیات با موضوع های مشابه هر بار باب های تازه ای را به روی محقق می گشاید. یافته های لایه لایه از آیه شکفته می شود و تحقیق را شکوفا می کند. این تحقیق متمرکز بر یک آیه از آیات قرآن کریم است، آیه ۸۷ سوره مبارکه یونس. آیه خطاب به دو پیامبر عظیم الشان حضرت موسی علیه السلام و حضرت هارون علیه السلام است. سیاق زمانی آیه باز می گردد به زمانی که حضرت موسی علیه السلام از شهر مدین به مصر بازگشتند و در مسیر به مقام نبوت مبعوث شدند. ایشان مأموریت یافتند تا با زبانی لئین فرعون را به راه بندگی پروردگار هدایت کنند و با معجزات متعدد، او را از راه طغیان بازگردانند. محتوای آیه مورد نظر به مقطعی از این دوران بازمی گردد که با فرمان الهی حضرت موسی علیه السلام و هارون علیه السلام مأمور به اقامت کردن در شهر مصر و قبله قرار دادن خانه های دو پیامبر و مؤمنان شدند.

مخاطب آیه در ابتدا دو پیامبر و سپس قوم ایشان هستند، کسانی که به رغم فشارهای فرعونیان، دعوت الهی را اجابت کرده اند. از خطاب آیه پیداست که جامعه ای دوگانه در مصر آن روزگار زندگی می کرده اند: یک دسته جمعی از بنی اسرائیل به رهبری فرعون و دسته دیگر شماری از بنی اسرائیل به رهبری حضرت موسی علیه السلام و هارون علیه السلام. قدرت و ثروت در دست فرعونیان و محدودیت و فشار نصیب مؤمنان بوده است. از برآیند آیه های مرتبط با تبلیغ حضرت موسی علیه السلام، دشواری دعوت فرعون به حق قابل دریافت است؛ فشاری که علاوه بر پیامبران الهی بر پیروان ایشان هم وارد می شده است. تا جایی که خدای تعالی به این پیامبران والا مقام فرمان ساختن یا انتخاب کردن خانه هایی برای خودشان و قومشان را می دهد. آیه شریفه حاوی اطلاعاتی کم نظیر مرتبط با زندگی این قوم و جزئیات سکونت و محل عبادت ایشان است. به همین علت در این

تحقیق این آیه شریفه از زوایای مختلف بررسی می‌شود.

داستان زندگی حضرت موسی علیه السلام از منظر دینی و تاریخی ده‌ها سال است که مورد توجه محققان غربی و شرقی، یهودی و مسیحی و مسلمان قرار دارد. به زندگی حضرت موسی علیه السلام با نگاه تاریخی، دینی، اسطوره‌شناسی، نمادشناسی، باستان‌شناسی، روان‌شناسی و... پرداخته شده است.^۱

بر اساس واکاوی منابع موجود، یکی از وجوه اهمیت تحقیق حاضر آن است که در آن، کلام الهی از منظر معماری نگریسته می‌شود. در این پژوهش تلاش شده است اطلاعات مستتر معماری در قرآن کریم استخراج شود. افزون بر این، به بخشی از تاریخ انبیا پرداخته می‌شود که می‌تواند مکمل اطلاعات تاریخی موجود در این زمینه باشد. به بیان دیگر، برگی از تاریخ حضرت موسی علیه السلام از منظر معماری و با تکیه بر یک آیه از قرآن کریم روایت می‌شود.

این تحقیق، پژوهشی بنیادین و متن‌محور است. محور اصلی آن قرآن کریم است و در مرتبه بعد، ترجمه‌ها و متون تفسیری قرآن مورد توجه قرار می‌گیرد. بر این اساس، پرسش اصلی تحقیق آن است که ترجمه‌های فارسی و روایات تفسیری، واژه «قبله» را در آیه ۸۷ سوره یونس چگونه فهم کرده‌اند و کدام معنا با سیاق آیه سازگارتر است؟

۱. از جمله در کتاب «*The Ancient Houses of Egypt*» نوشته جیمز تایو (۲۰۱۹)، «سیره تربیتی پیامبران، حضرت موسی علیه السلام» نوشته محمدرضا عابدینی (۱۴۰۳)، «موسی کلیم‌الله» نوشته سوده ترقی (۱۳۹۷)، «تفسیر آیات قیام و زندگی عبرت‌آموز حضرت موسی علیه السلام» نوشته محمدعلی خزانلی (۱۳۹۰)، و کتاب «موسی و مشکلات رهبری بنی‌اسرائیل از دیدگاه قرآن» و نیز «رسالت و مبارزات موسی علیه السلام از دیدگاه قرآن و حدیث» (بی‌تا) نوشته سیدمهدی امین (بی‌تا) به زوایای مختلف زندگی حضرت موسی علیه السلام پرداخته شده است. شماری از منابع هم با نگاهی فارغ از مستندات کتب مقدس به حضرت موسی علیه السلام پرداخته‌اند. مانند «موسی و یکتاپرستی» نوشته زیگموند فروید، و «*The Secret Society of Moses*» نوشته فلاویو باریبرو، «*Moses and Egyptian*» نوشته جن اسمن، در این کتب و نوشتارهایی مشابه آن نیز به مسئله معماری سکونتگاه حضرت موسی علیه السلام و قومشان در برهه مورد نظر این تحقیق در مصر پرداخته نشده است. بلکه در اغلب تحقیقات مرتبط، به زندگی ایشان در کاخ فرعون اشاره شده و سکونتگاه ایشان پس از خروج از قصر، به علت فقدان مدارک و شواهد مسکوت مانده است.

برای روشن‌تر شدن زوایای بحث، به روایات مرتبط با آیه و تفاسیر روایی نیز رجوع می‌شود. برای دستیابی به ظرایف واژه‌ها، از لغت‌نامه‌ها استفاده می‌گردد. در نهایت، یافته‌ها با روش تطبیقی سامان می‌یابد؛ بدین‌صورت که تفسیرهای مختلف از آیه و ترجمه‌های متعدد واژگان قرآنی، به‌صورت تطبیقی مقایسه، بررسی و جمع‌بندی می‌شود.

مفروض تحقیق آن است که کلام الهی مملو از اطلاعات گران‌قدر است. بسنده‌نکردن به ظاهر و تأمل و موشکافی در آیات، زمینه آشکار شدن یافته‌های بیشتری از این کتاب آسمانی را فراهم می‌کند. همچنین اعجاز کلامی و لغوی قرآن سبب می‌شود که با دقت و تأمل بتوان معنای دقیق آیه را فهم کرد.

هدف این تحقیق، تأمل در مفاد آیه ۸۷ سوره مبارکه یونس است تا اطلاعات مرتبط با معماری و ساختار محله‌ای آن به دست آید و مقصود اصلی از به‌کارگیری واژه «قبله» در این آیه روشن شود. از این طریق، یکی از فرمان‌های پروردگار که با مباحث معماری ارتباط دارد، بازخوانی می‌شود و فهمی دقیق‌تر و عمیق‌تر از آن به دست می‌آید.

در این مقاله، نخست به مفردات آیه پرداخته می‌شود و واژه‌های مهم و اثرگذار در فهم معنای آیه، با مراجعه به لغت‌نامه‌ها، به‌دقت بررسی می‌گردد. سپس سیاق آیه در سوره یونس مورد توجه قرار می‌گیرد. در بخش سوم، به ترجمه‌های فارسی قرآن کریم رجوع می‌شود و ترجمه آیه مورد نظر در چهل ترجمه کهن و جدید بررسی و با یکدیگر مقایسه می‌گردد. در میان واژگان آیه، آنچه بیش از همه موجب تفاوت ترجمه‌ها شده، واژه «قبله» است. بر مبنای معادل‌های فارسی در نظر گرفته‌شده برای «قبله»، ترجمه‌ها دسته‌بندی می‌شوند و این امر زمینه بررسی دقیق‌تر آیه را فراهم می‌سازد. در بخش بعدی، روایات مرتبط با آیه گردآوری می‌شود؛ زیرا آنچه در روایات تفسیری این آیه شریفه بیان شده، زمینه را برای فهم بهتر و درک نکات پنهان آن هموار می‌سازد. در نهایت، یافته‌های معماری در هر بخش ارائه می‌شود.

۲. مفردات آیه

﴿وَأَوْحَيْنَا إِلَىٰ مُوسَىٰ وَأَخِيهِ أَنْ تَبَوَّءَا لِقَوْمِكُمَا بِمِصْرَ يُثُوتًا وَاجْعَلُوا بُيُوتَكُمْ قِبْلَةً وَأَقِيمُوا الصَّلَاةَ وَبَشِّرِ الْمُؤْمِنِينَ﴾ و به موسی و برادرش وحی کردیم که شما دو تن برای قوم خود در مصر

خانه‌هایی بگیرید و خانه‌های خود را نمازگاه کنید و نماز را بر پای دارید و مؤمنان را بشارت ده» (یونس: ۸۷) (رهنما، ۱۳۴۶: ۲/۱۷۴).

معنای آیه شریفه ۸۷ سوره یونس، در نگاه اول روشن و واضح است؛ اما با دقت در آن، مشخص می‌شود که برای رسیدن به ترجمه صحیح و درک کامل از این آیه، لازم است معنای برخی واژه‌ها با تأمل بررسی شود؛ از جمله فعل‌های به‌کار رفته در آیه: «تَبَوَّءَ و اجْعَلُوا»؛ و واژه‌هایی همانند: «قوم، مصر، بیوت، و قبله».

۲-۱. «تَبَوَّءَ»

تَبَوَّءَ، فعل متعدی تثنیه امر از باب تَفَعَّل است که به حضرت موسی و برادرش هارون باز می‌گردد. تَبَوَّءَ مصدری است از ریشه «بَوَّء» به معنای فرود آمدن و مقیم شدن در جایی (نفیسی، بی‌تا: ۲/۷۹۶). به این معنا که خدای تعالی به موسی علیه السلام و هارون علیه السلام امر کرده‌اند که در آنجا - مصر - فرود بیایید و در آنجا مقیم شوید. این فعل در آیه ۹ سوره مبارکه حشر نیز به‌کار رفته و مربوط به اهل یثرب و سابقه «سکونت داشتن» آنها در این شهر، پیش از ورود مهاجران مکی اشاره دارد (آیتی، ۱۳۷۴: ۳۰۳).

فرود آمدن و مقیم شدن در «مصر»، برای حضرت موسی علیه السلام و قومشان به چه معناست؟ مگر خانواده حضرت موسی علیه السلام از پیش از تولد ایشان در «مصر» زندگی نمی‌کردند؟ چند احتمال در این زمینه قابل طرح است؛ ممکن است اینان در مصر سکونت داشته‌اند ولی اقامت دائم در خانه‌های دائمی نداشتند. به عبارت دیگر خانه‌هایشان از نوع خانه‌های سبک مانند چادر بوده (امین، بی‌تا: ۱۳۶)؛ یا به‌عنوان بردگان و خدمتکاران در خانه‌های قبطیان زندگی می‌کردند و خانه مستقلی نداشتند (ترقی، ۱۳۹۷: ۴۹۸)؛ یا آنکه این افراد به‌حدی تحت ظلم و فشار فرعونیان قرار داشتند که امیدی به زندگی در این شهر نداشتند و به همین سبب تمایل یا توانی به ساختن خانه‌های دائمی نداشتند. یا در شهر مصر ساکن نبودند و در حومه آن سکونت داشتند. اگر چه در زمان صدور فرمان الهی، ایشان همچنان در مصر تحت فشار و ستم فرعونیان بودند، اما این فرمان الهی بیان‌گر آن است که اینان در آن زمان مأمور به ماندن و زندگی کردن در مصر شدند، گرچه زندگی سختی برایشان رقم خورده بود.

در سه آیه از قرآن کریم به ظلم آشکار فرعون بر قوم حضرت موسی علیه السلام در آستانه ولادت ایشان اشاره شده است. «وَإِذْ نَجَّيْنَاكَ مِنْ آلِ فِرْعَوْنَ يَسُومُونَكَ سُوءَ الْعَذَابِ يَذَّبُحُونَ أَبْنَاءَكَ وَيَسْتَحْيُونَ نِسَاءَكَ وَفِي ذَلِكُمْ بَلَاءٌ مِنْ رَبِّكَ عَظِيمٌ» (بقره: ۴۹) همین امر با اندکی تغییر در سوره مبارکه اعراف، آیه ۱۴۱ و سوره مبارکه ابراهیم، آیه ۶ نیز ذکر شده است. طی این دوران نوزادان پسر در قوم بنی اسرائیل ذبح شده و به قتل می‌رسیدند و زنان زنده نگهداشته می‌شدند و حیا از آنان گرفته می‌شد. در قرآن کریم، صفت این دوران با بلاء عظیم یاد شده است. بدیهی است که جامعه‌ای که این دوران را سپری کرده، تضعیف شده و از حکومت فرعون ترسان بوده است. دور از ذهن نیست که معماری چنین قومی هم با ضعف و ترس همراه بوده است. به بیان دیگر از چنین قومی انتظار نمی‌رود معماری مستحکم و توأم با قدرتی پدید آورند؛ چراکه آثار معماری احتیاج به پشتوانه قدرت و ثروت و دانش دارد.

۲-۲. «قوم»

قوم اسم جمع است (مهنا، ۱۴۱۳: ۴۳۱). به جماعتی از مردان و زنان گفته می‌شود. بعضی نیز گفته‌اند جماعتی از مردان بدون زنان (ابن منظور، ۱۴۱۴: ۵۰۵). قوم در اصل مصدر قام، به معنای برخاستن و استوار ماندن، بوده است؛ سپس استعمال آن برای مردان غلبه پیدا کرده است (حسینی زبیدی، ۱۴۱۴: ۵۹). علاوه بر معنای اصلی، قوم معنای دیگری نیز دارد که اقامت در مکان است (معلوف، ۱۴۱۵: ۶۶۴) در این آیه شریفه قوم به همان معنای اصلی یعنی جماعتی از مردم اشاره دارد؛ با این توضیح که زنان و مردانی را شامل می‌شود که به حضرت موسی علیه السلام و هارون علیه السلام ایمان آورده و هم‌عصر ایشان بوده و در شهر مصر و نزد این دو پیامبر الهی زندگی می‌کردند. در این آیه شریفه اقامت در مکان، در معنایی که برای قوم ذکر شد مستتر است.

۲-۳. «مصر»

مصر، واژه‌ای جامد، غیرمصدری، ثلاثی مجرد از باب فَعَلَ یَفْعُلُ است. مصر هم به معنای سرزمین مصر و قلمرو فرعون به کار رفته و هم به هر شهر عظیمی گفته می‌شود، مانند بصره و بغداد و کوفه (بعلبکی، ۱۹۸۷: ۷۴۴). جمع آن أمصار است و به شهرهای بزرگ و پایتخت نیز

گفته می‌شود (آذرنوش، ۱۳۸۶: ۶).

در زبان عربی از ریشه «مصر» واژه‌هایی چون تَمَصَّرَ المكان به معنای آن مکان شهر شد، مَصَّرَ الأمصار یعنی شهرها را بنا کرد نیز به کار می‌رود. این ترکیبات نشان دهنده معنای ثانوی مصر است؛ معنایی عام‌تر و فراگیرتر از مصر فراعنه. به تعبیر دیگر مصر فراعنه معنایی خاص با مصداقی واحد دارد؛ و معنای شهر بزرگ، معنایی عام و مصادیق پرشماری دارد.

واژه مصر در قرآن کریم نیز پنج بار به کار رفته است. همه موارد به داستان‌های انبیاء (حضرت موسی علیه السلام و حضرت یوسف علیه السلام) مربوط می‌شود. در سه مورد (سوره مبارکه یوسف، آیات ۲۱ و ۹۹، و سوره مبارکه زخرف، آیه ۵۱) به‌طور واضح مراد از مصر، همان سرزمین فراعنه است. در دو مورد دیگر (سوره مبارکه یونس، آیه ۸۷ و سوره مبارکه بقره، آیه ۶۱) هر دو معنای مصر محتمل است. بنابر تفاسیر بررسی شده و سیاق آیه^۱ در سوره یونس، در آیه مورد نظر این تحقیق، مراد از مصر، همان مرکز قلمرو فرعون در سرزمین فراعنه است (موسوی همدانی، ۱۳۷۴: ۱۶۸).

۲-۴. «بُیُوت»

بیت کلمه‌ای معروف در زبان عربی است؛ به حدی که شماری از لغت‌نامه‌ها به علت شهرت، آن را معنا نکرده‌اند. معنای اصلی بیت مأوای انسان است؛ جایی که انسان شب در آنجا بیتوته می‌کند (مدنی شیرازی، ۱۳۸۴: ۱۹) معنای اصلی بیت جایگاه و پناهگاه انسان در شب است؛ و بدون در نظر گرفتن تعبیر شب، به مسکن و خانه نیز گفته می‌شود (راغب اصفهانی، ۱۳۷۴: ۳۲؛ مصطفی و همکاران، ۱۹۸۹: ۷۸).

بیت به چند طریق جمع بسته شده است: بُیُوت، و جمع جمع آن بُیُوتات (جمع بیوت، جمع بیت) و آبایت است. بیوت جمع مکسر بیت است. بُیُوتات و آبایت ویژه خانه‌های اشراف و بزرگان است (بستانی و همکاران، ۱۳۷۵: ۱۹۸) از این عبارت مشخص می‌شود که مقصود از بیوت در آیه، خانه‌های متعارف عموم مردم است.

۱. در ادامه در بخش «آیه در سیاق سوره» به این مطلب پرداخته می‌شود.

یکی دیگر از معانی بیت، تزویج و همسر و خانواده مرد است (اریانی و همکاران، ۱۴۲۰: ۶۷۲؛ مهنا، ۱۴۱۳: ۱۱۹؛ ابن فارس، ۱۴۰۴: ۳۲۵) پس بیت علاوه بر معنای مطابقی مسکن و خانه، معنای التزامی زندگی همراه با خانواده در خانه را به همراه دارد.

۲-۵. «اجعلوا»

فعل امر جمع، ثلاثی مجرد از ریشه «ج ع ل». واو ضمیر متصل فاعلی جمع. مصدر جعل به معنای قرار دادن است. به نظر راغب اصفهانی شامل تمامی افعال می شود و از فعل و صنع اعم است. به عقیده او جعل بر پنج وجه به کار می رود:

۱. وقتی فعل لازم است به معنای شروع کردن است،
 ۲. وقتی فعل متعدی است و یک مفعول دارد به معنای ایجاد کردن شیء است،
 ۳. ایجاد کردن شیء از شیء و آفریدن،
 ۴. تغییر و گردیدن شیء از حالتی به حالت دیگر و غیر از حالت اول،
 ۵. حکم کردن بر چیزی با چیزی به حق یا باطل (راغب اصفهانی، ۱۳۷۴: ۳۹۹؛ قرشی، ۱۴۱۲: ۳۹) واژه جعل از تمامی واژگان فعل و وضع و واژگان هم ردیف آن عام تر است.
- در آیه مورد نظر، با توجه به اینکه «بیوتکم» مفعول «اجعلوا» است، معنای اول که مربوط به فعل لازم است کنار می رود. معنای پنجم هم با سیاق آیه تناسب ندارد. از آن جا که در ابتدای آیه فرمان فرود آمدن و مقیم شدن داده شده است، به آغاز ساختن خانه باز می گردد و معنای چهارم هم کنار می رود. در نتیجه معنای دوم و تا حدی معنای سوم با آیه تناسب دارد و حاکی از ایجاد کردن خانه ها و قراردادن خانه هاست.

۲-۶. «قَبْلَهُ»

اسم نوع از قَبْل، آنچه که در روبرو باشد، جهت و سمت (بستانی و همکاران، ۱۳۷۵: ۶۸۲) قبله در آیه مصدر به معنای فاعل یعنی متقابل است (قرشی، ۱۴۱۲: ۲۲۶). قبله در اصل حالتی است که فرد به سوی آن قرار می گیرد. در استعمال عرفی قبله به اسم مکان که نمازگزار در هنگام نماز به آن سو جهت می گیرد گفته می شود (حسینی زبیدی، ۱۴۱۴: ۵۹۶).

قبله از آن جهت قبله نامیده شده که مردم در نمازشان به آن رو می‌کنند و قبله هم مقابل آنهاست (ابن فارس، ۱۴۰۴: ۵۲) کعبه، از آن جهت که مسلمانان در نماز به سوی آن رو می‌کنند (مصطفی و همکاران، ۱۹۸۹: ۷۱۳) افزون بر کعبه بر هر چیز که رو به آن شود گفته می‌شود. «اجْعَلُوا بُيُوتَكُمْ قِبْلَةً»، به معنای متقابل، و قرار گرفتن در مقابل هم است (معلوف، ۱۴۱۵: ۶۰۷؛ صاحب‌بن عباد، ۱۴۱۴: ۴۳۲؛ خوری شرتونی لبنانی، ۱۳۷۴: ۲۶۷) یعنی بعضی خانه‌ها در مقابل بعضی دیگر قرار گرفته‌اند (حسینی زبیدی، ۱۴۱۴: ۶۰۳). به‌رغم آنکه تعبیر مقابل هم قرار گرفتن خانه‌ها در این آیه موجه است، اما نمی‌توان رو به قبله بودن خانه‌ها و جهت‌گیری کلی خانه‌ها رو به قبله را هم نادیده گرفت. هر دو معنا در این آیه محتمل است و در بخش‌های دیگر این نوشتار به آن پرداخته می‌شود.

۳. آیه در سیاق سوره یونس

پس از بررسی مفردات آیه، لازم است آیه را در سیاق سوره مبارکه یونس بررسی کرد. در نوع نگاهی که قرآن کریم به تاریخ دارد، هیچ‌گاه قصه‌ها از آغاز تا پایان بیان نمی‌شود؛ مگر داستان حضرت یوسف علیه السلام. در داستان حضرت موسی علیه السلام قسمت‌هایی از زندگی ایشان به مناسبت‌های خاصی آورده می‌شود؛ گویا بریده و تقطیعی است (عابدینی، ۱۴۰۳: ۲۲) اما از منظر الهی حقیقتی پیوسته در پس این داستان وجود دارد که با تأمل در آیات و سیاق آنها قابل دریافت است. به ترتیب نزول قرآن، سوره یونس، پنجاه و یکمین سوره قرآن است؛ ولی طبق ترتیب مُصحف شریف، سوره مبارکه یونس دهمین سوره قرآن کریم و مشتمل بر صد و نه آیه است. این سوره در جزء یازدهم قرآن کریم و پس از سوره مبارکه توبه و پیش از سوره مبارکه هود قرار گرفته است. این سوره در اوایل بعثت نبی مکرم اسلام صلی الله علیه و آله و در مکه نازل شده است. عمده مطالب آن پیرامون توحید و حقانیت قرآن کریم، پاسخ به منکران وحی، بیم دادن مشرکان، بیان عظمت آفرینش و آفریدگار، ناپایداری دنیا و توجه دادن به آخرت است (قزائنی، ۱۳۸۳: ۱۷۶). پیوستگی میان آیات کریمه این سوره گواه آن است که یک‌باره نازل شده است (موسوی همدانی، ۱۳۷۴: ۵).

سوره یونس یکی از سی و شش سوره‌ای است که داستان حضرت موسی علیه السلام در آن ذکر شده است. فرازهایی از داستان حضرت موسی علیه السلام در سوره یونس ما بین ذکری از حضرت نوح علیه السلام

(آیه ۷۴) و قوم حضرت یونس علیه السلام (آیه ۹۸) روایت شده است.

داستان حضرت موسی علیه السلام در این سوره از آنجا آغاز می شود که حضرت موسی علیه السلام و هارون علیه السلام به پیامبری مبعوث شدند و با معجزاتی به سوی فرعون و سران قوم او فرستاده شدند (آیه ۷۵) این قوم پس از رؤیت معجزه ها، حضرت موسی علیه السلام را به ساحری متهم کردند (آیه ۷۷) سپس فرعون فرمان داد تا برترین ساحران برای مقابله با حضرت موسی علیه السلام گرد آیند (آیات ۷۹ و ۸۰) پس از آن هنگام رویارویی حضرت موسی علیه السلام با ساحران فرامی رسد (آیه ۸۱) اما ماجرای تقابل حضرت موسی علیه السلام با ساحران در این سوره ذکر نمی شود (طه: ۵۷ تا ۷۳) پس از اشاره کوتاه به گفتگوی حضرت با ساحران و دعوت کردن آنها به حق، از تعداد اندک یاران آن حضرت یاد می شود که اغلب از فرزندان و خانواده حضرت موسی علیه السلام بودند. سایر افراد قوم ایشان به علت ترس از فرعون و شکنجه شدن توسط او از ایمان آوردن سر باز می زدند (آیه ۸۳) حضرت مؤمنان قوم خویش را به توکل بر خدا دعوت (آیه ۸۴) و از سوی آنان اجابت شدند (آیه ۸۵) و این جمع مؤمنان برای نجات خویش از ظلم فرعون مناجات کردند (آیه ۸۶).

پس از این دعا و طلب نجات، خدای متعال در آیه ۸۷ به حضرت موسی علیه السلام و برادرش هارون علیه السلام فرمان می دهد که برای قوم خود در مصر خانه هایی فراهم کنند، آن خانه ها را قبله قرار دهند، نماز را برپا دارند و مؤمنان را به پیروزی بشارت دهند. آیه مورد نظر این تحقیق، با نفرین حضرت موسی علیه السلام درباره فرعون و سران قوم او دنبال می شود؛ آنجا که از پروردگار می خواهد اموال آنان را نابود و دل هایشان را سخت گرداند، زیرا تا عذاب دردناک را نینند، ایمان نخواهند آورد. این دعا در آیه بعد مستجاب می شود. سپس آیات ۹۰ تا ۹۲ به واقعه عبور بنی اسرائیل از دریا، غرق شدن فرعون و نجات یافتن بدن او اشاره می کنند. آیه ۹۳ نیز از مرحله ای تازه در زندگی بنی اسرائیل پس از گذر از دریا و استقرار آنان در جایگاهی شایسته خبر می دهد. در این آیات، داستان حضرت موسی علیه السلام به گونه ای گذرا و اشاره وار، و تنها با بیان رخدادهای مهم، روایت شده است.

بنابر سیر در سیاق آیات مرتبط با حضرت موسی علیه السلام در سوره یونس، مشخص می شود که بازه زمانی مربوط به فرمان خانه سازی پس از مبعوث شدن و بازگشت ایشان از مدین به مصر و

مواجهه ایشان با ساحران، و پیش از عبور از بحر (دریا) بوده است. این بازه زمانی، همان گونه که از آیات مرتبط (سوره مبارکه طه آیات ۵۷ تا ۷۳؛ سوره مبارکه یونس آیات ۸۱ تا ۸۳؛ سوره مبارکه اعراف آیات ۱۲۰ تا ۱۲۴) پیداست زمانی است که حقانیت دعوت حضرت موسی علیه السلام بر همگان آشکار شده ولی جوّ سنگین سرزمین، پر از هراس و ترس از شکنجه و تعقیب فرعونیان است. در این شرایط محدود مؤمنان از سختی زندگی در این شرایط به تنگ آمدند و از خدا طلب نجات کردند. راه نجات موقتاً از طریق ساختن خانه‌ها و قبله قرار دادن آنها بود. گویی پیش از این، قوم تضعیف شده بنی اسرائیل فاقد خانه و محل سکونت دائمی بودند یا خانه‌هایی داشتند ولی به جرم ایمان به خدای موسی علیه السلام تخریب یا مصادره شده بود. در هر حال، به علت استضعاف این قوم وفشارهای مکرری که بر آنها وارد می‌شده محتمل است که اقامتگاه‌ها ضعیف و درخور قوم فقیر و فاقد قدرت بوده است.

آیه ۸۷ سوره مبارکه یونس با «وَأَوْحَيْنَا إِلَىٰ مُوسَىٰ وَأَخِيهِ» آغاز شده و به وضوح حضرت موسی علیه السلام و حضرت هارون علیه السلام را مخاطب قرار داده است؛ این امر با فعل مثنای «تَبَوَّءَا» و ضمیر متصل «کما» تأکید شده است. مضمون آیه تا اینجا به فرود آمدن و اقامت گزیدن در مصر برای ساختن خانه‌ها اشاره دارد. در ادامه مخاطب آیه، صرفاً این دو پیامبر نیستند. فعل «اجْعَلُوا»، ضمیر متصل «کم»، فعل «أَقِيمُوا» همگی به مخاطب جمع اشاره می‌کند. پس مخاطب تغییر کرده و حضرت موسی علیه السلام و پیروان ایشان را مورد خطاب قرار داده است.

با دقت در محتوای آیه نکات دیگری عیان می‌شود. در این فرمان الهی، انتخاب شهر و قصد اقامت طولانی مدت در آن و تصمیم به انتخاب مکان برای ساختن متمرکز خانه‌ها از طرف خدای تعالی تعیین شده و از طریق دو پیامبر علیه السلام به مردم ابلاغ شده است. اما خطاب آیه در مرحله انتخاب خانه‌های موجود یا ساخت خانه‌های جدید به همه قوم است، هر دو پیامبر و جمیع پیروان ایشان. اینکه اینان خانه‌هایشان را قبله قرار دهند و نماز را به پا دارند. یعنی آنچه مربوط به مرحله اجرای بناها و پس از آن سکونت در آنها به جمیع مؤمنان قوم حضرت موسی علیه السلام خطاب شده است.

این که در فرمان الهی آمده است «برای قوم خود خانه‌هایی بگیرید و آنها را قبله قرار دهید»، نشان از اقدامی عمرانی دارد که از طرف خدای تعالی ابلاغ شده و مسئولیت اجرای آن بر عهده حضرت موسی علیه السلام و برادرشان گذاشته شده است. برای گذرکردن از معنای ظاهری آیه و تدقیق در آن، لازم است این کلام با دقت بیشتری بررسی شود. در بخش بعدی نظر مترجمان و صاحب‌نظران در ترجمه این آیه از قرآن کریم گردآوری و بررسی می‌شود.

۴. چهل ترجمه از آیه

برای روشن‌تر شدن معنای «قبله قرار دادن خانه‌ها» لازم است در معانی قبله و آراء صاحب‌نظران ترجمه و تفسیر قرآن کریم دقت شود و به ترجمه‌های مترجمان رجوع شود. بررسی ترجمه‌ها نشان از آن دارد که اختلاف در ترجمه این آیه شریفه، به جمله «وَاجْعَلُوا بُيُوتَكُمْ قِبْلَةً» برمی‌گردد؛ به منظور واکاوی اختلاف نظر مترجمان قرآن کریم، شماری از ترجمه‌های این فراز از آیه در ادامه ذکر می‌شود تا زمینه بررسی دقیق‌تر اختلاف نظرهای موجود فراهم آید.

نام ترجمه قرآن	ترجمه جمله «وَاجْعَلُوا بُيُوتَكُمْ قِبْلَةً» از آیه ۸۷ سوره مبارکه یونس
۱ آیتی	«و خانه‌های خود را عبادتگاه سازید»
۲ احسن الحدیث	«و خانه‌هایتان را رو در رو قرار بدهید.»
۳ الهی قمشه‌ای	«خانه‌هایتان را قبله و معبد خود قرار دهید.»
۴ انصاریان	«و خانه‌هایتان را روی روی هم قرار دهید.»
۵ برزی	«و خانه‌هایتان را [رو به روی] قبله قرار دهید.»
۶ بروجرودی	«و خانه‌های خودتان را معبد و قبله قرار داده»
۷ پابنده	«و خانه‌های خویش را جای عبادت کنید.»
۸ پورجوادی	«و خانه‌هایتان را رو به روی هم قرار دهید.»
۹ ترجمه المیزان	«و خانه‌هایتان را پهلوی و مقابل یکدیگر قرار دهید.»
۱۰ ترجمه بیان السعاده	«و خانه‌هایتان را قبله و معبد خود قرار دهید.»
۱۱ ترجمه جوامع الجامع	«و آن خانه‌هایتان را مرکز عبادت، یا روی روی هم قرار دهید.»
۱۲ تفسیر آسان	«و خانه‌های خود را مقابل یکدیگر قرار دهید.»
۱۳ حجه التفاسیر	«و در این خانه هاتان (که معین کردید) قبله‌نی قرار بدهید (که رو به کعبه کنید).»
۱۴ تفسیر حلبی	«و خانه‌های خود را نمازگاه کنید.»
۱۵ خسروی	«و خانه‌های خود را قبله قرار دهید (یعنی مساجد و محل عبادت خود را در خانه‌های خود قرار داده و در آنها نماز بگذارید تا از ترس فرعون در امان باشید یا خانه‌های خود را رو بخانه خدا بنا کنید یا بروایت سعید بن جبیر خانه‌های خود را مقابل هم و روی روی یکدیگر قرار دهید)»

۱۶	خواجوی	«و خانه‌هایتان را مسجد قرار داده»
۱۷	رضایی	«و خانه‌هایتان را مقابل یکدیگر (و محل عبادت) قرار دهید.»
۱۸	رهنما	«و خانه‌های خود را نمازگاه کنید.»
۱۹	روان جاوید	«و بگردانید خانه‌های خودتان را قبله.»
۲۰	روشن	«و قرار دهید خانه‌های خودتان را قبله و محلّ توجّه.»
۲۱	روض الجنان	«و کنی خانه‌هایتان قبله»
۲۲	سراج	«و قرار دهید خانه‌های خود را مقابل یکدیگر»
۲۳	طاهری	«خانه‌هایی مقابل [و مجاور] یکدیگر ترتیب دهید (تا متمرکز باشید)»
۲۴	فولادوند	«و سراهایتان را رو به روی هم قرار دهید.»
۲۵	فیض الاسلام	«و شما و قومتان خانه‌ها را قبله و مسجد گردانید (تا کفار با اجتماع و گرد آمدن شما برای نماز آگاه نشوند و شما را آزار نرسانند و از دین و آئین حق برنگردانند، یا خانه‌ها را روبروی یکدیگر بگردانید تا همه در یک جا گرد آمده و یکدیگر را کمک نمایند.)»
۲۶	گرمارودی	«و خانه‌هایتان را روبروی قرار دهید.»
۲۷	مجتبوی	«و خانه‌های خود را پرستشگاه - یا روبروی هم - قرار دهید.»
۲۸	مشکینی	«و خانه‌های خود را رو به روی یکدیگر و به سوی قبله کعبه قرار دهید.»
۲۹	مکارم	«و خانه‌هایتان را مقابل یکدیگر (و متمرکز) قرار دهید.»
۳۰	نوبری	«تا هنگام عبادت و نماز بنی اسرائیل به آن خانه‌ها رجوع کرده عبادت کنند، منازل مذکوره را در وقت نماز به خودتان قبله قرار دهید.»
۳۱	نور	«و خانه‌هایتان را مقابل هم (یا رو به قبله) بسازید.»
۳۲	یاسری	«و بگردانید خانه‌های خود را قبله خود. و نماز بگزاردید در آن خانه‌ها (تکلیف بنی اسرائیل آن بود که: نماز را در مسجد بخوانند فرعونیان از نماز در مسجد، ایمان آوردندگان را می‌شناختند و بسیار ایشان را اذیت می‌کردند. خدا به موسی وحی کرد که: در خانه‌ها نماز بخوانند.)»
۳۳	تاج التراجم	«و بکنید خانه‌های خویش را قبله.»
۳۴	ترجمه طبری	«و بکنید خانه‌های شما قبله.»
۳۵	دهلوی	«و بسازید خانه‌های خود را قبله رو.»
۳۶	کشف الاسرار	«و خانه‌های خویش نماز جای سازید.»
۳۷	نسفی	«و جایهای نماز سازیت در آن میانه‌ها»
۳۸	تفسیری از سال دهم هجری	«و گردانید خانه‌های خویش را جای نماز به وی روی آور.»
۳۹	صفی علیشاه	«و بگردانید خانه‌های خود را قبله.»
۴۰	صفار زاده	«و خانه‌ها را عبادتگاه قرار دهید.»

جدول شماره ۱: عبارت «وَاجْعَلُوا بُيُوتَكُمْ قِبْلَةً» و چهل ترجمه از آن

در جدول فوق، چهل ترجمه فارسی از عبارت «و اجْعَلُوا بُيُوتَكُمْ قِبْلَةً» آورده شد. همان‌طور که ملاحظه می‌شود، در ترجمه‌ها تفاوت‌هایی وجود دارد. بررسی ترجمه‌ها نشان‌دهنده این است که مترجمان قرآن کریم، از واژه «قبله» سه معنا را برداشت کرده‌اند: نخست، معنای ارتكازی واژه قبله که همان رو به قبله بودن است؛ دوم، معنای اصلی ریشه «ق ب ل» که مقابل یکدیگر بودن است؛ و سوم، دلالت التزامی قبله که همان عبادت و نمازگزاردن است. بر این اساس با اغماض می‌توان ترجمه‌ها را در سه گروه اصلی دسته‌بندی کرد:

الف) مترجمانی که قبله را به «عبادتگاه» برگردانده‌اند؛

ب) مترجمانی که قبله را به معنای «رو به قبله بودن» دانسته‌اند؛

ج) مترجمانی که قبله را به معنای «رو به رو و مقابل یکدیگر» گرفته‌اند.

اما بعضی مترجمان برای رساندن مفهوم مورد نظر آیه، هم‌زمان دو یا سه معنا از معانی سه‌گانه قبله را در ترجمه به کار برده‌اند. به نحوی که چهار دسته ترکیبی از معانی قبله نیز قابل تشخیص است. برای مثال قبله را هم‌زمان به «عبادتگاه» و جهت‌گیری «رو به قبله» برگردانده‌اند که در جدول بعدی در ستون الف و ب آورده شده است؛ همچنین ترکیبی از معنای الف و ج (عبادتگاه و مقابل هم بودن)، معنای ب و ج (رو به قبله بودن و مقابل یکدیگر بودن) و تنها در یک مورد و در ترجمه فیض الاسلام که در جدول بالا در ردیف ۲۵ آمده است هر سه معنای الف و ب و ج (عبادتگاه، رو به قبله بودن و مقابل هم بودن) هم‌زمان آورده شده است.

در جدول بعدی دسته‌بندی‌ای از نظر مترجمان قرآن نسبت به معنای واژه «قبله» آورده شده است. شماره‌ای که در هر خانه از جدول ذکر شده، همان شماره ردیف ترجمه در جدول شماره ۱ است. برای مثال تمامی ترجمه‌هایی که «قبله» را به معنای «رو به قبله بودن» برگردانده‌اند در ستون دوم آورده شده است.

دسته‌بندی معنای انتخاب شده برای واژه «قبله» در چهل ترجمه بررسی شده						
انتخاب «یک معنا» برای واژه قبله				ترکیبی از «دو یا سه معنا» برای واژه قبله		
الف) عبادتگاه	ب) روبه قبله	ج) روبه‌رو، مقابل	الف و ب) عبادتگاه و روبه‌قبله	الف و ج) عبادتگاه و روبه‌قبله	ب و ج) روبه‌قبله و مقابل	الف و ب و ج) عبادتگاه و روبه‌قبله و مقابل
۱. عبادتگاه	۵. روبه قبله	۲. رودر رو	۳. قبله و معبد	۱۱. مرکز عبادت یا روبه‌روی هم	۱۵. قبله، مقابل هم	۲۵. قبله، مسجد، روبه‌روی یکدیگر
۷. جای عبادت	۱۳. قبله (رو به کعبه)	۴. روبه روی هم	۶. قبله و معبد	۱۷. مقابل یکدیگر، محل عبادت	۲۸. روبه‌روی یکدیگر و به سوی قبله	
۱۴. نمازگاه	۱۹. قبله	۸. روبه روی هم	۱۰. قبله و معبد	۲۸. پرستشگاه، یا روبه‌روی هم	۳۱. مقابل هم یا روبه قبله	
۱۶. مسجد	۲۰. قبله و محل توجه	۹. پهلو و مقابل	۳۲. قبله و نمازگاه			
۱۸. نمازگاه	۲۱. قبله	۱۲. مقابل یکدیگر				
۳۰. عبادتگاه	۳۳. قبله	۲۲. مقابل یکدیگر				
۳۶. نماز جای	۳۴. قبله	۲۳. مقابل و مجاور				
۳۷. جای‌های نماز	۳۵. قبله‌رو	۲۴. روبه روی هم				
۳۸. جای نماز	۳۹. قبله	۲۶. رویاروی				
۴۰. عبادتگاه		۲۹. مقابل یکدیگر و متمرکز				

جدول شماره ۲: دسته‌بندی ترجمه‌های «قبله» بر مبنای شماره‌گذاری اعمال شده در

جدول شماره یک

تا این مرحله از تحقیق، بررسی ترجمه‌ها و آراء مترجمان برای موشکافی در معنای قبله در آیه مورد نظر به دسته‌بندی معانی سه‌گانه قبله منجر شد. دسته‌بندی ترجمه‌ها در جدول ۲ گویای آن است که اتفاق نظری میان مترجمان برای ترجیح یکی از معانی قبله وجود ندارد. ایشان به هر سه معنای قبله تقریباً به‌طور مساوی توجه کرده‌اند. به‌طوری که معنای الف و ب و ج هر یک به‌ترتیب ۱۰ بار، ۹ بار، و ۱۰ بار توسط مترجمان قرآن برگزیده شده است. به همین سبب تحقیق بر روی ترجمه‌ها گرچه سبب باز شدن بحث در مقاله شده، نمی‌تواند کمکی به جمع‌بندی و تدقیق معنای قبله در آیه داشته باشد. به همین سبب لازم است به دسته‌ای دیگر از منابع یعنی متون تفسیری مراجعه شود تا بتوان آراء متنوع را جمع‌بندی کرد.

۵. روایات تفسیری آیه

برای شکل‌گیری فهم دقیق‌تر از آیه و رفع ابهامات موجود در ترجمه‌ها، لازم است به روایاتی که درباره این آیه مطرح شده نیز رجوع شود.

۵-۱. روایات مؤید جهت‌گیری خانه‌ها رو به قبله

روایت نخست^۱، به جهت‌گیری خانه‌ها اشاره دارد و در آن «قبله» به بیت المقدس تعبیر شده است؛ به این معنا که خانه‌ها باید رو به بیت المقدس بنا شوند. «وَاجْعَلُوا بُيُوتَكُمْ قِبْلَةً» یعنی بیت المقدس (قمی، ۱۳۶۷: ۳۱۴) این سوال قابل طرح است که آیا در زمان اقامت حضرت موسی علیه السلام در مصر و پیش از عبور آنها از بحر آیا بیت المقدس وجود داشته و آنجا قبله قوم حضرت موسی بوده است؟ به عبارت دیگر، قبله در زمان حضرت موسی علیه السلام به کدام سو بوده است؟

۱. «قال علي بن ابراهيم فيقول: «هُوَ أَوْحَيْنَا إِلَى مُوسَى وَأَخِيهَا نَتَّبِعُ لِقَوْمِكُمَا بِمِصْرَ بَيْوتاً وَاجْعَلُوا بُيُوتَكُمْ قِبْلَةً» يعني بيت المقدس» (قمی، ۱۳۶۷: ۳۱۴).

روایت دوم^۱ نیز از مسئله جهت‌گیری خانه‌ها خبر داده، با این تفاوت که قبله را در آن به طریق دیگری معنا کرده است. «و دیگر حکم کردیم که بسازید خانه‌های خود را مسجدها متوجه قبله یعنی کعبه. چه موسی نماز را جانب کعبه گذاردی» (ابن بابویه، ۱۳۷۸: ۱۷۳) در این روایت جهت قبله و جهت نمازگزاردن قوم بنی اسرائیل در زمان حضرت موسی علیه السلام به سوی کعبه گزارش شده است.

میان آنچه در تفسیر قمی آمده با آنچه در ترجمه عیون/اخبار/الرضا ذکر شده اختلاف است. یکی قبله را بیت المقدس معرفی کرده و دیگری کعبه. گرچه این اختلاف نظر قابلیت دارد که در تحقیقی مستقل به آن پرداخته شود، در این نوشتار با توجه به زمان نزول فرمان الهی در آیه مورد نظر، پاسخی مختصر به آن داده می‌شود.

محتوای این آیه در دورانی از زندگی حضرت موسی علیه السلام به ایشان نازل شده که ایشان در حال تبلیغ خداپرستی در شهر مصر بودند. یعنی این فرمان پس از بازگشت ایشان از مدین به مصر و مبعوث شدن حضرت موسی علیه السلام به نبوت، و پیش از خروج ایشان و قومشان از مصر و عبور از بحر صادر شده است. پس هنوز شهر مقدس یا بیت المقدس توسط بنی اسرائیل فتح نشده است. بدیهی است که در این برهه از زمان، مکان مقدس و قبله قرار گرفتن آن برای قوم حضرت موسی علیه السلام موضوعیتی نداشته است.^۲ بنابراین، مضمون روایت دوم که از قبله بودن کعبه در زمان حضرت موسی علیه السلام حکایت دارد موجه به نظر می‌رسد.

۱. «و وحی کردیم به موسی و برادر او که فرا گیرند جای بازگشت برای قوم خود در شهر مصر خانه‌ها رجوع کنید به آن [یعنی به آن خانه‌ها] به جهت پرستش خدا و دیگر حکم کردیم که بسازید خانه‌های خود را مسجدها متوجه قبله یعنی کعبه چه موسی نماز را جانب کعبه گذاردی» (ابن بابویه، ۱۳۷۸: ۱۷۳).

۲. بررسی تغییر قبله در میان قوم بنی اسرائیل، می‌تواند موضوع تحقیق دیگری قرار گیرد.

۵-۲. روایات مؤید عبادتگاه بودن همه خانه‌های قوم

مورد سوم^۱ روایتی است که در تفسیر آیه مورد نظر به روشنی عبارت «أَمُرُوا أَنْ يُصَلُّوا فِي بُيُوتِهِمْ» را معنای عبارت «وَأَجْعَلُوا بُيُوتَكُمْ قِبْلَةً» قرار داده است (عروسی حویزی، ۱۴۱۵: ۳۱۵؛ قمی، ۱۳۶۷: ۳۱۵). بنابراین حدیث فرمان الهی به نمازگزاردن «قوم» حضرت موسی علیه السلام در خانه‌هایشان تعبیر شده است.

مطلبی که روایت چهارم^۲ به آن تصریح کرده آن است که مضمون این آیه پس از آن به حضرت موسی علیه السلام نازل شد که مساجد قوم بنی اسرائیل در مصر توسط فرعونیان تخریب شده بود. «کان فرعون امر بهدم مساجدهم و امروا ان یصلوا فی بیوتهم» (قطب‌الدین راوندی، ۱۴۰۵: ۱۵۷) این روایت نیز مؤید مطالبی است که در باب تحت فشار بودن حضرت موسی علیه السلام و مؤمنان به دین ایشان مطرح شد. پس ایشان پیش از این فرمان الهی مساجدی شناخته شده داشتند که در پی فشار و شکنجه از طرف فرعونیان از بین رفته بود؛ به همین سبب به نماز خواندن در خانه‌ها امر شدند.

بنابر آنچه در بخش مفردات و دقت در معنای واژه‌ها مطرح شد و نیز آنچه در مبحث روایات آمد، این مطلب قابل طرح است که خانه‌های قوم بنی اسرائیل حکم فقهی خانه را داشته‌اند اما تأکید آیه بر «أَقِیْمُوا الصَّلَاةَ» نشان از تأکید بر برپایی نماز در خانه‌های ایشان دارد.

۱. فی تفسیر علی بن ابراهیم حدثنا محمد بن جعفر قال: «حدثنا جعفر بن محمد بن مالک عن عباد بن یعقوب عن محمد بن یعقوب عن جعفر الأحول عن منصور عن ابی ابراهیم قال: «لما خافت بنو اسرائیل جابرتها أوحی الله تعالی الی موسی و هارون ﴿أَنْ تَبَوَّءَ لِقَوْمِكُمْ مِمَّا يَمْصُرُونَ بُيُوتًا وَاجْعَلُوا بُيُوتَكُمْ قِبْلَةً﴾ قال: «أَمُرُوا أَنْ يُصَلُّوا فِي بُيُوتِهِمْ» (عروسی حویزی، ۱۴۱۵: ۳۱۵؛ قمی، ۱۳۶۷: ۳۱۵).

۲. «أمرهم الله أن یصلوا فی بیوتهم و یجعلوا فی البیوت قبله أی مصلی إذا کانوا خانفین و هذا رخصة [...] وَ عَنْ ابْنِ عَبَّاسٍ كَانَ فِرْعَوْنُ أَمَرَ بِهِدْمَ مَسَاجِدِهِمْ وَ أَمُرُوا أَنْ يُصَلُّوا فِي بُيُوتِهِمْ» (قطب‌الدین راوندی، ۱۴۰۵: ۱۵۷).

۵-۳. روایات مؤید عبادتگاه بودن خانه پیامبر قوم

در روایت پنجم^۱، به نقل از کتاب عیون/ اخبار الرضا، حدیثی مفصل از مناظره حضرت علی بن موسی الرضا علیه السلام با شماری از علما در مجلسی که هارون ترتیب داده بود نقل شده است. علما از امام رضا علیه السلام تفسیر اصطفی و برگزیدگی را از قرآن کریم جویا شدند. امام علیه السلام با استناد بر آیه ۸۷ سوره مبارکه یونس پاسخ حضار را دادند. «وَأَوْحَيْنَا إِلَىٰ مُوسَىٰ وَأَخِيهِ أَنْ تَبَوَّآ لِقَوْمِكُمَا بِمِصْرَ بُيُوتًا، وَاجْعَلُوا بُيُوتَكُمْ قِبْلَةً؛ فَفِي هَذِهِ الْآيَةِ مَنَزَلُهُ هَارُونَ مِنْ مُوسَىٰ، وَفِيهَا أَيْضًا مَنَزَلُهُ عَلِيٌّ علیه السلام مِنْ رَسُولِ اللَّهِ صلی الله علیه و آله. هَذَا دَلِيلٌ ظَاهِرٌ، فَيَقُولُ رَسُولُ اللَّهِ صلی الله علیه و آله حِينَ قَالَ: «أَلَا إِنَّ هَذَا الْمَسْجِدَ لَا يَحِلُّ لِحُجْبٍ إِلَّا لِمُحَمَّدٍ وَآلِهِ»» (عروسی حویزی، ۱۴۱۵: ۳۱۴ و ۳۱۵؛ ابن بابویه، ۱۳۷۸: ۲۳۲)^۲

تأکید در این روایت بر جایگاه حضرت امیرالمؤمنین علی علیه السلام نسبت به پیامبر صلی الله علیه و آله، به منزله هارون برای موسی علیه السلام است. همچنین در این روایت بسته شدن همه درهای خانه‌ها به داخل

۱. «فِي عُيُونِ الْأَخْبَارِ، فِي بَابِ ذِكْرِ مَجْلِسِ الرَّضَا علیه السلام مَعَ الْمَأْمُونِ، فِي الْفَرْقِ بَيْنَ الْعِثْرَةِ وَالْأَمَّةِ، حَدِيثٌ طَوِيلٌ، وَفِيهِ: قَالَتِ الْعُلَمَاءُ: فَأُخْبِرْنَا، هَلْ فَسَّرَ اللَّهُ تَعَالَى الْأَصْطِفَاءَ فِي الْكِتَابِ؟ فَقَالَ الرَّضَا علیه السلام: «فَسَّرَ الْأَصْطِفَاءَ فِي الظَّاهِرِ سِوَى الْبَاطِنِ فِي اثْنَيْ عَشَرَ مَوْطِنًا وَمَوْضِعًا؛ فَأَوَّلُ ذَلِكَ قَوْلُهُ عَزَّ وَجَلَّ...» إِلَى أَنْ قَالَ علیه السلام: «وَأَمَّا الرَّابِعَةُ، فَأُخْرِجَهُ النَّاسُ مِنْ مَسْجِدِهِ، مَا خَلَا الْعِثْرَةَ، حَتَّى تَكَلَّمَ النَّاسُ فِي ذَلِكَ، وَتَكَلَّمَ الْعَبَّاسُ، فَقَالَ: «يَا رَسُولَ اللَّهِ، تَرَكْتَ عَلِيًّا وَأَخْرَجْتَنَا؟» فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ صلی الله علیه و آله: «مَا تَرَكْتُهُ وَأَخْرَجْتَكُمْ، وَلَكِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ تَرَكَهُ وَأَخْرَجَكُمْ».

وَفِي هَذَا بَيَانٌ قَوْلِهِ صلی الله علیه و آله لِعَلِيِّ علیه السلام: «أَنْتَ مِنِّي بِمَنْزِلَةِ هَارُونَ مِنْ مُوسَى». قَالَتِ الْعُلَمَاءُ: «وَأَيُّنَ هَذَا مِنَ الْقُرْآنِ؟» قَالَ أَبُو الْحَسَنِ علیه السلام: «أَوْحَدَكُمْ فِي ذَلِكَ قُرْآنًا وَأَقْرُوهُ عَلَيْكُمْ» قَالُوا: «هَاتِ» قَالَ: «قَوْلُ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ: «وَأَوْحَيْنَا إِلَىٰ مُوسَىٰ وَأَخِيهِ أَنْ تَبَوَّآ لِقَوْمِكُمَا بِمِصْرَ بُيُوتًا وَاجْعَلُوا بُيُوتَكُمْ قِبْلَةً» فَفِي هَذِهِ الْآيَةِ مَنَزَلُهُ هَارُونَ مِنْ مُوسَى، وَفِيهَا أَيْضًا مَنَزَلُهُ عَلِيٌّ علیه السلام مِنْ رَسُولِ اللَّهِ صلی الله علیه و آله. وَهَذَا دَلِيلٌ ظَاهِرٌ فِي قَوْلِ رَسُولِ اللَّهِ صلی الله علیه و آله حِينَ قَالَ: «أَلَا إِنَّ هَذَا الْمَسْجِدَ لَا يَحِلُّ لِحُجْبٍ إِلَّا لِمُحَمَّدٍ وَآلِهِ» (عروسی حویزی، ۱۴۱۵: ۳۱۴ و ۳۱۵؛ ابن بابویه، ۱۳۷۸: ۲۳۲).

۲. مشابه این حدیث در تحف العقول، (۱۳۸۱) ترجمه جعفری، ۴۰۴ و ۴۰۵ و در الامالی شیخ صدوق، (۱۴۳۰)، ص ۵۲۶ و بشاره المصطفی لشيعه المرتضى عمادالدين طبري، (۱۴۲۰)، ص ۲۳۰ نیز ذکر شده است. از جمله این روایت که با بیانی دیگر همان مطلب را بیان کرده است: قال «وَأَوْحَيْنَا إِلَىٰ مُوسَىٰ وَأَخِيهِ أَنْ تَبَوَّآ لِقَوْمِكُمَا بِمِصْرَ بُيُوتًا وَاجْعَلُوا بُيُوتَكُمْ قِبْلَةً فَكَانَ الشَّابَهُ فِي ذَلِكَ أَنَّ النَّبِيَّ صلی الله علیه و آله بَنَى لِنَفْسِهِ وَلِعَلِيٍّ فِي الْمَسْجِدِ وَ أَخْرَجَ مِنْهُ سَائِرَ الْخَلَائِقِ، فَلَمْ يَدَعْ لَهُمْ بَابًا إِلَّا بَابَهُ وَ أَتَى سَمَى وَلَدَهُ حَسَنًا وَ حُسَيْنًا وَ مُحَسَّنًا» (المستترشد في إمامة علي بن أبي طالب علیه السلام، ص ۴۴۸).

مسجد النبی به جز در خانه پیامبر گرامی اسلام ﷺ و خانه امیرالمؤمنین علی ﷺ یادآوری شده است که حاکی از برگزیده شدن حضرت محمد ﷺ و آل او دارد. پس از آن به این حکم الهی تأکید شده است که «آگاه باشید که این مسجد بر جنب حرام است، مگر بر محمد ﷺ و آل او». در این روایت سه امر با یکدیگر مقایسه شده است:

الف) جایگاه حضرت هارون نسبت به حضرت موسی ﷺ در برابر جایگاه امیرالمؤمنین علی ﷺ نسبت به پیامبر اکرم ﷺ.

ب) برگزیده بودن این دو از طرف خدا نسبت به سایر افراد قومشان.

ج) استثناء کردن حضور جنب در مسجد برای پیامبر ﷺ و خانواده ایشان. به عبارت دیگر خانه رسول اکرم ﷺ و حضرت علی ﷺ جزو مسجد شمرده می‌شده و حکم الهی برای زندگی خانوادگی در این مسجد، موجب استثنا شدن حضرت محمد ﷺ و خانواده او شده است.

علاوه بر عبارت «أَلَا إِنَّ هَذَا الْمَسْجِدَ...» که در حکم جمع‌بندی روایت ذکر شده، استناد به آیه ﴿وَاَوْحَيْنَا إِلَىٰ مُوسَىٰ...﴾ نیز جای تأمل دارد. گرچه روایت اشاره‌وار از آن گذر کرده است. با توجه به مقایسه پیامبر ﷺ و حضرت علی ﷺ با حضرت موسی ﷺ و هارون ﷺ، چند نتیجه قابل استنباط است:

- ۱) خانه حضرت موسی ﷺ و هارون ﷺ در حکم مسجد بوده است؛
- ۲) مسجد در عصر حضرت موسی ﷺ دارای احکام فقهی بوده است؛
- ۳) یکی از این احکام، ممنوعیت حضور جنب در مسجد بوده است؛
- ۴) استثنایی برای این حکم فقهی وجود داشته و آن هم دو پیامبر الهی و خانواده‌هایشان بوده‌اند؛

۵) خانه‌های سایر افراد قوم به منزله مسجد نبوده و حکم فقهی مسجد بر آن بار نمی‌شده است؛ چرا که حضور جنب در مسجد بر همگان ممنوع بوده مگر موارد استثنایی که ذکر شد. بر مبنای نتایج ذکر شده، ترجمه «قبلة» در مواردی که به مسجد، عبادتگاه، پرستشگاه و معبد برگردانده شده بود، دقیق نیست. بلکه بر مبنای تحلیل روایت نقل شده از نبی اکرم ﷺ، خانه‌های پیامبران الهی مسجد بوده و خانه‌های سایر افراد قوم شأنیت مسجد را نداشته است. این نتیجه با

اقامه نماز در خانه سایر افراد قوم منافاتی ندارد. ضمن آنکه عبارت بعدی در آیه که فرمان «أَقِيمُوا الصَّلَاةَ» است، احتمال برپایی نماز در خانه‌های سایرین را بدون آنکه آن خانه‌ها شأنیت مسجد داشته باشند تقویت می‌کند. همانند آنچه در روایت سوم و چهارم بیان شده بود.

محتوای روایت ششم^۱، مشابه روایت پیشین و مؤید آن است. با این تفاوت که در آن آمده است که خدای تعالی به حضرت موسی علیه السلام امر کردند که در مسجد تو کسی سکونت نکند و در آن ازدواج نکند و جنب داخل آن نشود مگر هارون و خانواده او؛ «ثُمَّ أَمَرَ مُوسَى أَنْ لَا يَسْكُنَ مَسْجِدَهُ وَلَا يَنْكِحَ فِيهِ وَلَا يَدْخُلَهُ جُنْبٌ إِلَّا هَارُونَ وَذُرِّيَّتُهُ» (ابن بابویه، ۱۳۸۵: ۲۰۳) به بیان دیگر، مسجد بودن صرفاً به خانه حضرت موسی علیه السلام نسبت داده شده است. فعل نهی «لا یسکن» به سکونت نداشتن و اقامت نکردن در خانه مسجد حضرت موسی علیه السلام اشاره دارد که با «لا ینکح» صراحت یافته و بهروشنی از ماندن و زندگی زناشویی در آن مکان نهی کرده و حتی از ورود افراد جنب به داخل آن مسجد با «لا یدخله» نهی کرده است. این بیان روشن با استثناء کردن حضرت هارون و ذریه ایشان خاتمه یافته است.

این دقت، نشان از آن دارد که مسجد، فقط و فقط به خانه حضرت موسی علیه السلام اختصاص می‌یابد و حضرت هارون علیه السلام به عنوان استثناء برای ورود و سکونت در آن مطرح شده است. در این روایت عبارت «فیه» نشان از آن دارد که یک مسجد در این مجموعه مسکونی وجود داشته است.

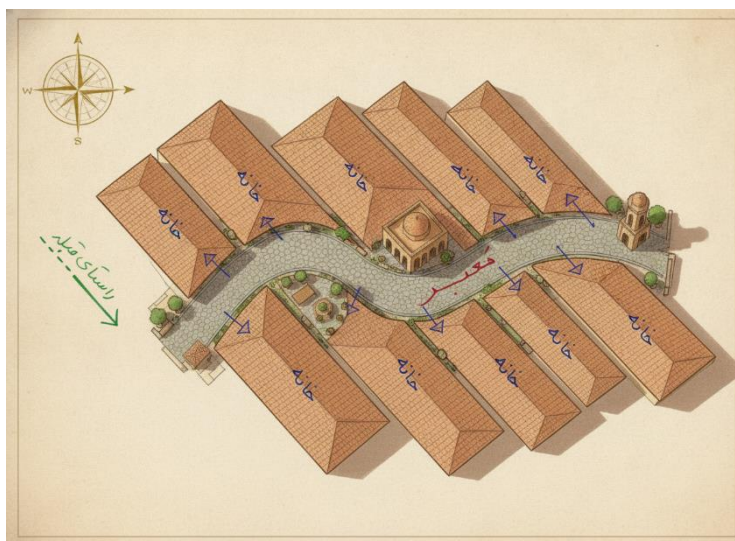
۱. «حَدَّثَنَا الْمُظَفَّرُ بْنُ جَعْفَرٍ بْنِ الْمُظَفَّرِ الْعَلَوِيُّ رَحِمَهُ اللَّهُ قَالَ حَدَّثَنَا جَعْفَرُ بْنُ مُحَمَّدٍ بْنُ مُسْعُودٍ عَنْ أَبِيهِ قَالَ حَدَّثَنَا نَصْرُ بْنُ أَحْمَدَ الْبَغْدَادِيُّ قَالَ حَدَّثَنَا مُحَمَّدُ بْنُ عُبَيْدٍ عَنْ عُثْبَةَ قَالَ حَدَّثَنَا إِسْمَاعِيلُ بْنُ أَبَانَ عَنْ سَالِمِ بْنِ أَبِي عَمْرَةَ عَنْ مَعْرُوفِ بْنِ خَرْبُودَ عَنْ أَبِي الطُّفَيْلِ عَنْ حَدِيقَةَ بْنِ أَسِيدٍ الْغِفَارِيِّ قَالَ إِنَّ النَّبِيَّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَامَ خَطِيبًا فَقَالَ إِنَّ رَجُلًا لَا يَعْدُونَ فِي أَنْفُسِهِمْ أَنْ أَسْكَنَ عَلِيًّا فِي الْمَسْجِدِ وَأَخْرَجَهُمْ وَاللَّهِ مَا أَخْرَجَهُمْ وَأَسْكَنَهُمْ بَلِ اللَّهُ أَخْرَجَهُمْ وَأَسْكَنَهُ إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ أَوْحَى إِلَى مُوسَى وَأَخِيهِ أَنْ تَبَوَّءَا الْقَوْمَ كَمَا بِمَصْرَ بِيُوتَا وَاجْعَلُوا بُيُوتَكُمْ قِبْلَةً وَأَقِيمُوا الصَّلَاةَ ثُمَّ أَمَرَ مُوسَى أَنْ لَا يَسْكُنَ مَسْجِدَهُ وَلَا يَنْكِحَ فِيهِ وَلَا يَدْخُلَهُ جُنْبٌ إِلَّا هَارُونَ وَذُرِّيَّتُهُ وَأَنَّ عَلِيًّا مِنِّي بِمَنْزِلَةِ هَارُونَ مِنْ مُوسَى وَهُوَ أَخِي دُونَ أَهْلِي وَلَا يَحِلُّ لِأَحَدٍ أَنْ يَنْكِحَ فِيهِ النِّسَاءَ إِلَّا عَلِيٌّ وَذُرِّيَّتُهُ فَمَنْ سَاءَ فَهَا هُنَا وَأَشَارَ بِيَدِهِ نَحْوَ الشَّامِ» (ابن بابویه، ۱۳۸۵: ۲۰۳).

بنابر سلسله مباحثی که مطرح شد، مطلب دیگری نیز از این آیه قابل دریافت است. در روایات فوق به این امر که مسجد مورد بحث، همان خانه حضرت موسی علیه السلام بوده تأکید شده است. این یافته با واژه‌های به‌کار رفته در آیه نیز هماهنگ است. آنجا که در آیه بر مفهوم بیت تأکید شده، نشان‌دهنده آن است که آن مکان در اصل خانه بوده و سپس شأنیت مسجد یافته است. اما واژه به‌کار رفته در آیه «بیوت» است و بیت به صورت جمع در آن ذکر شده و این محل تأمل است.

از سوی دیگر، تأکید آیه بر «بیت» و پس از آن امر به قبله قرار دادن خانه‌ها و اقامه کردن نماز در آنها، نشان از آن دارد که مسجد مورد بحث، نمود بیرونی مسجد نداشته است. ظاهر آن همچون ظاهر متعارف خانه‌ها بوده و امر به مسجد قرار دادن آن به قوم حضرت موسی علیه السلام ابلاغ شده است. گویا این فرمانی است که باید میان این قوم همچون راز مخفی نگهداشته می‌شده و نزد فرعونیان فاش نمی‌شده است.

دلالت التزامی این یافته، آن است که در شرایط عادی و عاری از تقیه، مساجد و محل عبادت پروردگار مکان‌هایی هستند که لازم است ظاهر و نمود بیرونی آنها آشکارا گویای این کاربری باشد. مکان‌هایی که در شهر شاخص‌اند و معبد بودن آن بر همگان روشن است.

تصویر ۱. کروکی شماتیک (= نقشه طرح‌واره‌ای) از انتظام خانه‌ها نسبت به قبله و نسبت به یکدیگر در معبر، طرح توسط نگارنده



نتیجه‌گیری

این نوشتار در پی فهم آیه ۸۷ سوره یونس است؛ آیه‌ای که بخشی از زندگی حضرت موسی علیه السلام و قوم ایشان را روایت می‌کند. در آغاز آیه، خداوند به حضرت موسی علیه السلام و هارون علیه السلام فرمان می‌دهد که برای قوم خود در مصر خانه‌هایی فراهم کنند. از این فرمان برمی‌آید که پیش از آن، مانعی برای اقامت آنان در مصر وجود داشته است؛ خواه اقامت دائمی نداشته‌اند، خواه فاقد مسکن ثابت بوده‌اند، یا اقامتگاه‌ها و مساجدشان به دست فرعونیان تخریب شده بوده است. بنابراین، فرمان الهی ناظر به رفع مانعی در مسیر سکونت و سامان اجتماعی مؤمنان بوده است. خطاب آیه به حضرت موسی علیه السلام، هارون علیه السلام و مؤمنان به آنان است و نشان می‌دهد پیامبر و رهبر دینی در قبال سکونت و سازمان‌یابی اجتماعی قوم خود مسئولیت دارد. آیه محدوده دقیق سکونت را تعیین نکرده و با تعبیر «تَبَوَّءُا»، گویا انتخاب محل فرود آمدن و ساخت خانه‌ها را به

پیامبران واگذار کرده است. از آنجا که مخاطب فرمان، مؤمنان و خانواده‌های آنان‌اند، سخن از ساخت چند خانه پراکنده نیست، بلکه از شکل‌گیری مجموعه‌ای از خانه‌ها در کنار یکدیگر، یعنی نوعی کوی یا محله مسکونی ویژه پیروان حضرت موسی علیه السلام در مصر، حکایت دارد.

قید مهم آیه درباره چیدمان این خانه‌ها، «قبله قرار دادن» آنهاست. درباره معنای قبله سه برداشت مطرح شده است: نخست، معنای اصلی ریشه «ق ب ل»، یعنی روبه‌رو و مقابل هم قرار دادن خانه‌ها؛ دوم، معنای ارتکازی قبله، یعنی روبه قبله بودن خانه‌ها؛ و سوم، معنای التزامی، یعنی عبادتگاه بودن خانه‌ها. برخی مترجمان نیز این معانی را به صورت جمعی در ترجمه آورده‌اند. رو به قبله بودن خانه‌ها با فرمان بعدی آیه، یعنی اقامه نماز، سازگار است و چون تعبیر «بُیُوتُکُمْ» آمده، این فرمان همه خانه‌های قوم را دربرمی‌گیرد و به خانه پیامبر یا پیامبران اختصاص ندارد.

برداشت نخست، یعنی قرار گرفتن خانه‌ها در برابر یکدیگر، با سیاق آیات نیز سازگار است؛ زیرا آیات از فشار و ستم فرعونیان بر مؤمنان خبر می‌دهد. چنین چیدمانی موجب تجمع مؤمنان در یک محله، تقویت همبستگی، افزایش امنیت و امکان دفاع از خانه‌ها و خانواده‌ها می‌شده است. حضور همسایگان هم‌کیش در کنار و مقابل یکدیگر نیز آرامش و دلگرمی این اقلیت دینی را در فضای تهدید و فشار افزایش می‌داده است. بنابراین، معنای «مقابل هم بودن خانه‌ها» با معنای «رو به قبله بودن» قابل جمع است؛ یعنی خانه‌ها می‌توانسته‌اند هم در راستای قبله و هم در برابر یکدیگر ساخته شوند. نتیجه چنین طرحی احتمالاً نوعی انتظام خطی با معبری مشترک بوده است؛ هر چند جزئیات بیشتر از خود آیه به دست نمی‌آید.

معنای سوم قبله، یعنی مسجد یا عبادتگاه بودن خانه‌ها، نیازمند دقت بیشتری است. این معنا یا به معنای برخورداری خانه‌ها از حکم فقهی مسجد است، یا به صورت مسامحی و به اعتبار اقامه نماز در آنها به کار می‌رود. روایات تفسیری نشان می‌دهند که از میان خانه‌های بنی‌اسرائیل، تنها خانه حضرت موسی علیه السلام شأنیت مسجد داشته و حکم فقهی مسجد بر آن بار می‌شده است؛ اما سایر خانه‌ها چنین حکمی نداشته‌اند. البته این امر عبادت و اقامه نماز در دیگر خانه‌ها را نفی نمی‌کند، بلکه نشان می‌دهد خانه‌ها افزون بر کارکرد سکوتی، می‌توانسته‌اند محل عبادت نیز باشند.

بر پایه روایات، مسجد در این آیه به خانه حضرت موسی علیه السلام اختصاص داشته و در واقع نوعی خانه مسجد بوده است؛ خانه‌ای که هم محل زندگی حضرت موسی علیه السلام و خانواده ایشان بوده و هم جایگاه عبادی و اجتماعی مسجد را داشته است. سکونت حضرت هارون علیه السلام و خانواده ایشان در آن مجاز شمرده شده، اما دیگر افراد قوم حق سکونت و زندگی خانوادگی در آن را نداشته‌اند. از این رو، ترجمه «قبله» به «مسجد یا معبد قرار دادن همه خانه‌ها» از منظر فقهی دقیق نیست.

این خانه مسجد، مرکز عبادی و اجتماعی محله مؤمنان بوده است؛ مکانی برای تجمع، نماز و عبادات جمعی. مرکزیت معنوی و اجتماعی آن از آیه و روایات استفاده می‌شود، هرچند مرکزیت کالبدی آن در محله به صراحت ثابت نیست. با این حال، می‌توان احتمال داد که این خانه به سبب اهمیت دینی، امنیتی و دسترسی آسان، در نقطه‌ای ممتاز یا مرکزی قرار داشته و حتی به دلیل کارکرد جمعی، زیربنای بیشتری از خانه‌های دیگر داشته است.

درباره نسبت این خانه مسجد با حضرت موسی علیه السلام و هارون علیه السلام نیز چند احتمال وجود دارد: یا متعلق به هر دو پیامبر بوده، یا خانه حضرت موسی علیه السلام بوده و حضرت هارون علیه السلام و خانواده‌اش نیز در آن سکونت داشته‌اند، یا آن دو خانه‌هایی جداگانه داشته‌اند و حضرت هارون علیه السلام امکان ورود و شب ماندن در خانه برادر را داشته است. در فرض اخیر، بعید نیست خانه حضرت هارون علیه السلام به دلیل جایگاه دینی و اجتماعی ایشان، در نزدیک‌ترین مکان به خانه مسجد حضرت موسی علیه السلام قرار داشته باشد.

برخی روایات، فرمان به اقامه نماز در خانه حضرت موسی علیه السلام را مربوط به زمانی دانسته‌اند که مساجد بنی اسرائیل به دست فرعونیان تخریب شده بود. تعبیر «بیت» در آیه نیز نشان می‌دهد این مکان در ظاهر، خانه بوده و نمود آشکار مسجد نداشته است؛ از این رو، کارکرد عبادی آن از دید فرعونیان پنهان می‌مانده و میان مؤمنان محفوظ بوده است. این نکته نشان می‌دهد فرمان آیه ناظر به شرایط خاص اقلیت دینی تحت فشار است؛ شرایطی که در آن، عبادت جمعی ناگزیر در قالب خانه و به دور از نمادهای آشکار مسجد انجام می‌شده است.

دست‌آورد این تحقیق در دو حوزه قابل طرح است:

نخست، روشن‌تر شدن بخشی از تاریخ زندگی و تبلیغ حضرت موسی علیه السلام؛

دوم، دستیابی به تصویری از ساختار معماری و اجتماعی محله مؤمنان بنی اسرائیل در مصر. بر اساس آیه و روایات، این محله مجموعه‌ای سازمان‌یافته از خانه‌های مؤمنان بوده که احتمالاً در راستای قبله، مقابل یکدیگر و پیرامون خانه مسجد حضرت موسی علیه السلام سامان یافته است.

در ادامه این پژوهش، می‌توان معماری سکونتگاه‌های بنی اسرائیل پس از عبور از دریا، مسئله تغییر قبله آنان و شواهد باستان‌شناسانه سکونتگاه‌های مصر در عصر فراعنه را بررسی کرد. این پژوهش‌ها می‌تواند زمینه مقایسه محله مؤمنان به حضرت موسی علیه السلام با سکونتگاه‌های دیگر مردم آن روزگار را فراهم آورد و مکمل نتایج تحقیق حاضر باشد.



فهرست منابع

- قرآن کریم، (۱۳۴۶). ترجمه: زین العابدین رهنما، چ ۲، تهران، کیهان.
- قرآن کریم، (۱۳۶۶). ترجمه: سید محمد ابراهیم بروجردی، چ ۶، تهران، صدر.
- قرآن کریم، (۱۳۷۱). ترجمه: سید جلال الدین مجتبی، چ ۱، تهران، حکمت.
- قرآن کریم، (۱۳۷۳). ترجمه: ناصر مکارم شیرازی، چ ۲، قم، دارالقرآن کریم.
- قرآن کریم، (۱۳۷۴). ترجمه: عبدالمحمد آیتی، چ ۴، تهران، سروش.
- قرآن کریم، (۱۳۸۰). ترجمه: مهدی الهی قمشه‌ای، چ ۲، قم، فاطمه الزهرا.
- قرآن کریم، (۱۳۸۰). ترجمه: علی اکبر طاهری قزوینی، چ ۱، تهران، قلم.
- قرآن کریم، (۱۳۸۱). ترجمه: علی مشکینی، چ ۱، قم، الهادی.
- قرآن کریم، (۱۳۸۲). ترجمه: اصغر برزی، چ ۱، تهران، بنیاد قرآن.
- قرآن کریم، (۱۳۸۳). به کوشش: علی رواقی، چ ۱، تهران، فرهنگستان زبان و ادب فارسی.
- قرآن کریم، (۱۳۸۳). ترجمه: حسین انصاریان، چ ۱، قم، اسوه.
- قرآن کریم، (۱۳۸۳). ترجمه: محمدعلی رضایی اصفهانی و همکاران، چ ۱، قم، مؤسسه تحقیقاتی فرهنگی دارالذکر.
- قرآن کریم، (۱۳۸۴). ترجمه: سید علی موسوی گرمارودی، چ ۲، تهران، قدیانی.
- قرآن کریم، (۱۳۹۶). ترجمه: عبدالمجید صادق نوبری، چ ۱، تهران، سازمان چاپ و انتشارات اقبال.
- قرآن کریم، (۱۳۹۹). ترجمه: طاهره صفارزاده، چ ۲، تهران، پارس کتاب.
- قرآن کریم، (۱۴۱۰). ترجمه: محمد خواجه‌ای، چ ۱، تهران، مولی.
- قرآن کریم، (۱۴۱۴). ترجمه: کاظم پورجوادی، چ ۱، تهران، بنیاد دایره المعارف اسلامی.
- قرآن کریم، (۱۴۱۵). ترجمه: محمد مهدی فولادوند، چ ۱، تهران، دارالقرآن کریم.
- قرآن کریم، (۱۴۱۵). ترجمه: محمود یاسری، چ ۱، قم، بنیاد فرهنگی امام مهدی (عج).
- قرآن کریم، (بی تا). ترجمه: رضا سراج، تهران، شرکت سهامی انتشار.
- قرآن کریم، (بی تا). ترجمه: ابوالقاسم پاینده، بی جا، بی نا، بی چا.

- قرآن کریم**، (بی تا). ترجمه: شاه ولی الله محدث دهلوی، چ ۱، مدینه، مجمع ملک فهد لطباعه المصحف الشریف.
۱. ابن بابویه، محمد بن علی، (۱۳۷۸). **عیون اخبار الرضا**، مصحح: مهدی لاجوردی، چ ۱، تهران، نشر جهان.
 ۲. ابن بابویه، محمد بن علی، (۱۳۸۵). **علل الشرائع**، چ ۱، قم، کتابفروشی داوری.
 ۳. ابن فارس، احمد، (۱۴۰۴). **معجم المقاییس اللغة**، مصحح: هارون عبدالسلام محمد، چ ۱، قم، مکتب الاعلام الاسلامی.
 ۴. ابن منظور، محمد بن مکرم، (۱۴۱۴). **لسان العرب**، مصحح: جمال الدین میردامادی، چ ۳، بیروت، دارالفکر للطباعه و النشر و التوزیع، دار صادر.
 ۵. ابوالفتوح رازی، حسین بن علی، (۱۴۰۸). **روض الجنان و روح الجنان فی تفسیر القرآن**، بی چا، مشهد، بنیاد پژوهش های اسلامی آستان قدس رضوی.
 ۶. اریانی، مطهر بن علی؛ یوسف محمد عبدالله؛ نشوان بن سعید حمیری؛ حسین عمری، (۱۴۲۰). **شمس العلوم و دواء کلام العرب من الکلوم**، چ ۱، دمشق، دارالفکر.
 ۷. اسفراینی، عمادالدین، (۱۳۷۵ ش). **تاج التراجم**، چ ۱، تهران، علمی و فرهنگی.
 ۸. امین، سید مهدی، (بی تا). **رسالت و مبارزات موسی علیه السلام از دیدگاه قرآن و حدیث** (تفسیر موضوعی المیزان)، بی چا، تهران، بیان جوان.
 ۹. آذرنوش، آذرتاش، (۱۳۸۶). **فرهنگ معاصر عربی فارسی** (بر اساس فرهنگ عربی - انگلیسی هانس ور)، چ ۸، تهران، نی.
 ۱۰. بستانی، فؤاد افرام؛ رضا مهیار، (۱۳۷۵). **فرهنگ ابجدی**، چ ۲، تهران، اسلامی.
 ۱۱. بعلبکی، رمزی؛ محمد بن حسن ابن درید، (۱۹۸۷). **جمهرة اللغة**، چ ۱، بیروت، دارالعلم للملایین.
 ۱۲. بلاغی، سید عبدالحجت، (۱۳۸۶). **حجه التفاسیر**، بی چا، قم، حکمت.
 ۱۳. ترقی، سوده، (۱۳۹۷). **موسی کلیم الله**، چ ۱، تهران، رزا.
 ۱۴. ثقفی تهرانی، محمد، (۱۳۹۸). **روان جاوید**، چ ۳، تهران، برهان.
 ۱۵. حسینی زبیدی، محمد مرتضی، (۱۴۱۴). **تاج العروس من جواهر القاموس**، مصحح: علی

- هلال و علی سیری، چ ۱، بیروت، دارالفکر.
۱۶. حلبی، علی اصغر، (۱۳۸۰). *تفسیر حلبی*، چ ۱، تهران، اساطیر.
۱۷. خوری شرتونی لبنانی، سعید، (۱۳۷۴). *اقرب الموارد فی فصیح العربیه و الشوارد*، چ ۱، قم، منظمه الاوقاف و الشؤون الخیریه، دارالاسوه للطباعه و النشر.
۱۸. راغب اصفهانی، حسین بن محمد، (۱۳۷۴). *مفردات الفاظ قرآن*، مترجم: غلامرضا خسروی، چ ۲، تهران، مرتضوی.
۱۹. صاحب بن عباد، اسماعیل بن عباد، (۱۴۱۴). *المحیط فی اللغة*، مصحح: محمدحسن آل یاسین، چ ۱، بیروت، عالم الکتاب.
۲۰. صفی علیشاه، حسن بن محمدباقر، (۱۳۷۸). *تفسیر قرآن صفی علی شاه*، چ ۱، تهران، انتشارات منوچهری.
۲۱. طباطبایی، سید محمدحسین، (۱۳۷۴). *تفسیر المیزان*، مترجم: سید محمدباقر موسوی همدانی، چ ۵، قم، دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
۲۲. طبرسی، فضل بن حسن، (۱۳۷۷). *جوامع الجامع*، مترجمان: عبدالعلی صاحبی؛ حبیب روحانی؛ علی عبدالحمیدی؛ اکبر غفوری؛ احمد امیری شادمهری، چ ۲، مشهد، بنیاد پژوهش های اسلامی آستان قدس رضوی.
۲۳. طبری آملی، محمدبن جریر بن رستم، (۱۴۱۵). *المستدرشد فی إمامة علی بن ابی طالب*، مصحح: احمد محمودی، چ ۱، قم، کوشانی پور.
۲۴. طبری، محمدبن جریر، (۱۳۵۶). *تفسیر طبری*، مصحح: حبیب یغمایی، چ ۲، تهران، انتشارات توس.
۲۵. عابدینی، محمدرضا، (۱۴۰۳). *سیروتربیتی پیامبران: حضرت موسی*، چ ۱، قم، معارف.
۲۶. عروسی حویزی، عبدعلی بن جمعه، (۱۴۱۵). *تفسیر نورالثقلین*، چ ۴، قم، اسماعیلیان.
۲۷. فیض الاسلام، سیدعلی نقی، (۱۳۷۸). *ترجمه و تفسیر قرآن عظیم*، چ ۱، تهران، فقیه.
۲۸. قرائتی، محسن، (۱۳۸۳). *تفسیر نور*، چ ۱۱، تهران، مرکز فرهنگی درس هایی از قرآن.
۲۹. قرشی، سیدعلی اکبر، (۱۳۷۱). *قاموس قرآن*، چ ۶، تهران، دارالکتب الاسلامیه.

۳۰. قرشی، سیدعلی اکبر، (۱۳۷۷). *احسن الحديث*، چ ۳، تهران، بنیاد بعثت.
۳۱. قطب الدین راوندی، سعید بن هبه الله، (۱۴۰۵). *فقه القرآن فی شرح آیات الاحکام*، مصححان: احمد حسینی و محمود مرعشی، چ ۲، قم، مکتبه آیت الله المرعشی النجفی.
۳۲. قمی، علی بن ابراهیم، (۱۳۶۷). *تفسیر القمی*، چ ۴، قم، دارالکتاب.
۳۳. گنابادی، حاج سلطان حسین، (۱۳۷۲). *بیان السعاده فی مقامات العبادہ*، مترجمان: رضا خانی و حشمت الله ریاضی، بی چا، تهران، مرکز چاپ و انتشارات دانشگاه پیام نور.
۳۴. مدنی شیرازی، سیدعلی خان بن احمد، (۱۳۸۴). *الطراز الاول و اکناز لما علیه من لغه العرب المعول*، چ ۱، مشهد، مؤسسه آل البيت لإحياء التراث.
۳۵. مصطفوی، حسن، (۱۳۸۰). *تفسیر روشن*، چ ۱، تهران، مرکز نشر کتاب.
۳۶. مصطفی، ابراهیم؛ احمد حسن، زیات؛ حامد، عبدالقادر؛ محمدعلی، نجار، (۱۹۸۹). *المعجم الوسيط*، چ ۱، ترکیه، دارالدعوه.
۳۷. معلوف، لوئیس، (۱۴۱۵). *المنجد فی اللغة*، چ ۳۳، لبنان، دارالمشرق.
۳۸. مهنا، عبدالله علی، (۱۴۱۳). *لسان اللسان*، چ ۱، بیروت، دارالکتب العلمیه، منشورات محمدعلی بیضون.
۳۹. میدی، رشیدالدین ابوالفضل، (۱۳۷۱). *کشف الاسرار وعده الابرار* (تفسیر خواجه عبدالله انصاری)، به اهتمام: علی اصغر حکمت، چ ۵، تهران، امیرکبیر.
۴۰. میرزا خسروانی، علی رضا، (۱۳۹۰). *تفسیر خسروی*، چ ۱، تهران، انتشارات اسلامیه.
۴۱. نجفی خمینی، محمدجواد، (۱۳۹۸). *تفسیر آسان*، چ ۱، تهران، انتشارات اسلامیه.
۴۲. نسفی، عمر بن محمد، (۱۳۷۶). *تفسیر نسفی: ترجمه ای کهن از قرآن مجید به فارسی موزون و مسجع*، مصحح: عزیزالله جوینی، چ ۳، تهران، انتشارات سروش.
۴۳. نفیسی، علی اکبر (ناظم الاطبا)، (بی تا). *فرهنگ نفیسی*، ج ۲، چ ۱، تهران، کتابفروشی خیام.